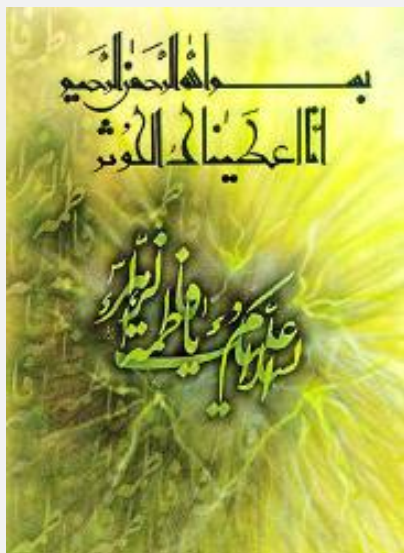


فاطمه زهرا (س)

حضرت فاطمه زهرا (س) دختر پیامبر (ص)، همسر حضرت علی (ع) و مادر امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در بیستم جمادی الثانی سال پنجم هجری به دنیا آمد...



حضرت فاطمه زهرا (س) دختر پیامبر (ص)، همسر حضرت علی (ع) و مادر امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در بیستم جمادی الثانی سال پنجم هجری به دنیا آمد.

سال چهارم بعثت بود که خداوند اراده فرمود به پیامبر گرامی‌اش هدیه‌ای بهشتی و تحفه‌ای گرانبها عطا فرماید؛ دختری که نسل پاک رسول خدا از طریق او تکثیر گردد.

برای دریافت این هدیه الهی، مقدماتی لازم بود. لذا از جانب حضرت حق دستورات لازم برای آمادگی رسول خدا و خدیجه داده شد و سپس فاطمه علیهاسلام در بیستم جمادی الثانی سال پنجم بعثت، در سرزمین توحید، مکه معظمه، متولد شد و دنیا را به نور وجود خود منور ساخت.

او دختری بود به سیمای خاکیان، ولی برتر از ملائک، چرا که خلقتش از نور بود و بویش بوی بهشت. فاطمه (س) نام‌های بسیاری دارد که هر کدام دارای معانی و مفاهیم بلند و ملکوتی است.

حضرت فاطمه (س) در خانه رسول خدا بزرگ شد و با مجاهدات و تلاش پیگیرش، تحت تربیت رسول مکرم، به مقامات بلند معنوی دست یافت؛ به‌طوری که در ستایش او چندین آیه قرآنی نازل شد.

پیامبر اکرم بارها در سخنانش مقام و موقعیت والای فاطمه را برای مسلمان‌ها بیان می‌کرد و می‌فرمود: فاطمه سبب خلقت افلاک است و ملائکه الهی در خدمت او هستند. او را اذیت نکنید که اذیت او اذیت من است. فاطمه من، اهل بهشت است و در قیامت از شیعانش شفاعت می‌کند.

فاطمه (س) چنان جایگاه بلندی در قلب پیامبر اکرم پیدا کرد که محبت و شیفتگی رسول خدا نسبت به او زبانزد خاص و عام شد و تعبیرات بسیار بلند و لطیفی از زبان رسول خدا نسبت به آن گوهر تابناک تراوش می‌کرد.

سرانجام حضرت علی (ع)، یگانه شخصیتی که صلاحیت همسری و هم‌شانی با فاطمه (س) را داشت، به خواستگاری او آمد. رسول خدا هم به اذن خداوند، و رضایت فاطمه با ازدواج آنها موافقت فرمود.

مهریه فاطمه تعیین شد و پس از عقد آسمانی و شادباشی بهشتی، آن وصلت فرخنده به اطلاع عموم مسلمانان مدینه رسید و رسول خدا صیغه عقد را جاری فرمود.

از این قضیه حدود یک ماه گذشت تا مقدمات عروسی فراهم شد و پس از ولیمه عروسی، فاطمه با مهریه‌ای به ظاهر کم‌ارزش و جهیزیه‌ای ساده به خانه بخت رفت. رسول خدا هم آداب خاصی را در شب زفاف برای آنها اجرا کرد و سفارش‌های لازم را به عمل آورد و از خانه آنها خارج شد.

فردا صبح به خانه آنها تشریف‌فرما شد و از آنان احوالپرسی کرد و برایشان دعا فرمود. روز چهارم هم برنامه ویژه‌ای برای آنها ترتیب داد و کارها را تقسیم فرمود. به این ترتیب ازدواج شیرین و شاد آنها با همکاری و تفاهم شروع شد. رسول خدا نیز همواره آنها را زیر نظر داشت و هر دو را به رعایت یکدیگر سفارش می‌فرمود.

فاطمه زهرا و امیرالمؤمنین دو همسری بودند که هیچگاه در زندگی خود به تجمل و دنیاپرستی نیندیشیدند و با کمال صفا یکدیگر را در پیمودن راه خدا کمک کردند و کوچکترین اختلافی بین آنها صورت نگرفت. خداوند به آنها دو پسر به نام حسن و حسین و دو دختر به نام زینب و ام کلثوم عنایت فرمود.

رسول اکرم فرزندان فاطمه (س) را بسیار دوست می‌داشت و آنها را فرزندان خود می‌دانست و می‌فرمود:

«#171؛ آتش جهنم بر فرزندان فاطمه حرام است.» و در فرصت‌های مناسب مسلمین را به رعایت احترام و خدمت سفارش می‌کرد و لذا فاطمه اطهر و فرزندان‌اش در زمان حیات رسول خدا بسیار محترم و عزیز بودند ولی آن حضرت مکرراً از ظلم‌هایی که پس از او بر آنان روا داشته می‌شود، خبر می‌داد و اظهار ناراحتی می‌نمود و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا را دل‌داری می‌داد و افسوس و صد افسوس که این دوران، بسیار کوتاه بود و بیش از 9 سال طول نکشید که دست پر مهر رسول خدا از سر آنها برداشته شد و سایه پربرکتش از این جهان رخت بر بست.

فاطمه زهرا (س) در سوگ پدر بزرگوارش بسیار اندوهگین بود و شب و روز به یاد پدر می‌گریست، اما در این هنگامه، مسأله غصب

خلافت توسط گروهی پیش آمد، که برای تثبیت خلافت خویش، علی‌رغم سفارشات اکید رسول خدا در مورد دخترش، به خانه فاطمه هجوم آوردند و با تازیانه دست مبارکش را آزرده و پهلوی او را که برای دفاع از حریم ولایت بپا خواسته بود، شکستند، بر گردن شیر خدا ریسمان بستند و او را به مسجد کشاندند.

اما فاطمه پس از این جنایات هولناک که باعث سقط جنین او شد، باز دست از فداکاری و حمایت خود بر نداشت و با همان حال به دنبال امیرالمؤمنین به مسجد رفت و با استفاده از مقام و شخصیت خود، علی (ع) را از دست غاصبین نجات داد و سپس به خانه آمد و در بستر بیماری افتاد.

غاصبین حق امیرالمومنین و زهرا به این هم بسنده نکردند و فدک را که حق مسلم حضرت زهرا بود، غصب کردند تا دست آنها را از مال دنیا هم کوتاه کرده باشند. در این جریان، فاطمه (س) بارها با ابوبکر و عمر احتجاجاتی داشت و امیرالمؤمنین نامه تندی به ابوبکر نوشت و حق مسلم فاطمه را اثبات کرد. فاطمه (س) هم خطبه تاریخی فدک را در حضور جمع بسیاری از مسلمین ایراد فرمود و مدعیان دروغین خلافت و غاصبین فدک را رسوا نمود، اما آنان بر اجرای مقاصد خویش همچنان پافشاری و به دادخواهی آن مظلومان تاریخ، پاسخ صحیح نگفتند بلکه افکارعمومی را علیه آنان شوراندند و با نسبت‌های ناروا و زشت به ساحت قدس امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا، مقصود و منظور خود را برملا ساختند.

اما امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا با سربلندی و افتخار از این آزمایش بزرگ الهی خارج شدند و برای بقاء اسلام، در مقابل این همه ظلم و ستم از حقوق مسلم خود چشم بستند و دم نزدند. حتی وقتی امیرالمؤمنین (ع) به خلافت دست‌یافت، باز هم به فدک که سرمایه هنگفتی بود، اعتنائی نکرد و فدک در طول تاریخ به تاراج رفت.

به هر حال فاطمه (س) هر روز رنجورتر می‌شد و کم‌کم حالش رو به وخامت می‌رفت. همه مسلمین از این پیش آمده‌ها ناراحت بودند. زنان مدینه به عیادت آن حضرت آمدند و حضرت خطبه‌ای برای آنها ایراد فرمود که چرا شوهران‌شان امیرالمؤمنین را یاری نکردند.

فاطمه علیهاسلام روزهای آخر عمر خود را سپری می‌کرد و به شدت از ابوبکر و عمر ناراضی بود، اما آنها که ناراضیتی فاطمه را به صلاح حکومت خود نمی‌دیدند، آمدند تا به عنوان عیادت، رضایت وی را جلب کنند. فاطمه زهرا ابتدا نپذیرفت اما آنها پس از چند بار، امیرالمؤمنین (ع) را واسطه کردند و بالاخره با اصرار زیاد به عیادت او آمدند. در همین ملاقات بود که فاطمه (س) رسماً ناراضیتی خود را به گوش آنها رساند.

کم‌کم فاطمه (س) آستانه شهادت قرار گرفت. دستور داد برایش تابوت ساختند و سپس به امیرالمؤمنین وصیت نمود. روح پاکش در عصر یک روز غم‌انگیز از خانه دلتنگ دنیا پر کشید و به درجه رفیع شهادت نایل شد.

خبر شهادت آن حضرت فوراً در بین مردم انتشار یافت و مدینه یک‌پارچه عزا و گریه شد. سیل جمعیت برای دل‌داری و تسلیت امیرالمؤمنین و فرزندان خردسال فاطمه به طرف آن خانه کوچک سرازیر بود تا کم‌کم خورشید غروب کرد.

مردم متفرق شدند و علی تنها شد. شب بود؛ او شخصاً برای تغسیل و تدفین اقدام فرمود. شبانه آن بدن آزرده را همراه باران اشک خود غسل داد و کفن نمود و با عده کمی از شیعیان خاص خود بر او نماز خواند و بدن بی‌جان فاطمه را در گوشه‌ای دور از چشم بیگانگان به خاک سپرد؛ سپس با دستی خالی و سینه‌ای پردرد به سوی قبر مطهر رسول خدا رو کرد و با کلماتی دلسوز خاطر خود را تسلی داد.

صبح شد و مسلمان‌ها که از تدفین فاطمه (س) خبر نداشتند جمع شدند. وقتی که از دفن حضرت زهرا مطلع شدند با کمال جسارت خواستار نبش قبرش شدند که ناگهان با غرش شیر خدا، نفس‌ها در سینه‌ها حبس شد و از تصمیم خود منصرف شدند.

قبر مطهر فاطمه (س) باید تا قیامت، تا قیام فرزند عزیزش حجه بن الحسن عجل‌الله تعالی فرجه مخفی بماند تا سندی زنده بر مظلومیت آن بانو و گواهی بر ظلم و ستم قاتلین او باشد. اما راویان نکته‌سنج و عاشقان هوشمند که بوی تربت فاطمه را می‌شناسند از لابه‌لای کلمات ائمه اطهار و صفحات تاریخ به جستجوی قبر مطهر آن بانوی مظلومه برآمدند و به گمانی قریب به یقین، آن را در خانه خودش یافتند.

از فاطمه زهرا علیهاسلام روایاتی به جهان اسلام تقدیم شده که یکی از بهترین میراث آن حضرت در خطوط تاریخ است، ولی افسوس که دفتر روز شمار تاریخ زندگانی‌اش برای ابد بسته شده و دیگر سخنی بر آنها اضافه نشده است.